

Historical Approach to the Qur'an; Examining the Common Ground of the Viewpoints of Neo-Religious Thinkers Concerning the Understanding and Interpretation of the Holy Qur'an

Marjaneh Fathi Torghabeh¹

Abbas Isma'ilizadeh²

Gholamreza Ra'isian³

Abstract

In present era, following the raising of many misconceptions and questions regarding the efficiency of religion, different viewpoints on how to understand and interpret the Qur'an have been presented by a group of researchers known as religious intellectuals and neo-thinkers. Reflecting on these viewpoints, despite the diversity and multiplicity of those expressing them and their not belonging to a specific geographical and political region, shows a kind of closeness and similarity among them, which is a historical approach towards the Holy Qur'an. The present study tries to prove this point of view among them by examining the viewpoints of some Iranian and non-Iranian intellectuals regarding the understanding and interpretation of the Holy Qur'an; that is because this issue will not only play a significant role in providing a solution to disengage from this point of view and prove the transhistoricity of this Revealed Book, but also, it would make possible a fundamental examination of bringing up such discussions and giving a comprehensive and fundamental answer to all the problems raised by this trend. As a result, with the descriptive-analytical method and using library sources, it has been indicated that unlike the transhistoricity of both the wording and the meaning of the Qur'an, this trend has merely considered the meaning and concept behind the words that have been mentioned with different phrasings, as eternal and appropriate for the present time.

Keywords: historical approach, transhistoricity of the Qur'an, religious intellectuals, neo-religious thinkers, understanding the Holy Qur'an.

1. Ph.D. Student of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Knowledge, Ferdowsi University of Mashhad.

2. (Corresponding Author) Associate Professor, Educational Department of Qur'an and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Knowledge, Ferdowsi University of Mashhad.

3. Associate Professor, Educational Department of Qur'an and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Knowledge, Ferdowsi University of Mashhad.

تاریخی‌نگری به قرآن؛ بررسی وجه جامع دیدگاه‌های نواندیشان دینی پیرامون فهم و تفسیر قرآن کریم*

مرجانه فتحی طرهبه^۱
عباس اسماعیلی‌زاده^۲
غلامرضا رئیسیان^۳

چکیده:

در عصر حاضر، به دنبال مطرح‌شدن شبهات و سؤالات فراوانی پیرامون کارآمدی دین، دیدگاه‌های مختلفی در مورد چگونگی فهم و تفسیر قرآن، توسط دسته‌ای از پژوهشگران موسوم به روشنفکران و نواندیشان دینی ارائه شده است. تأمل در این دیدگاه‌ها با وجود تنوع و تکثر و عدم تعلق صاحبان آنها به منطقه جغرافیایی و سیاسی خاص، نوعی قرابت و شباهت را میان آنها نشان می‌دهد که عبارت است از تاریخی‌نگری نسبت به قرآن کریم. پژوهش حاضر تلاش نموده با بررسی دیدگاه‌های برخی از روشنفکران ایرانی و غیرایرانی پیرامون فهم و تفسیر قرآن کریم، به اثبات این نگاه در آنان بپردازد؛ چرا که این مسأله نه تنها نقش بسزایی در ارائه راه‌حل برای برون‌رفت از این نگاه و اثبات فراتاریخیت این کتاب آسمانی خواهد داشت، بلکه بررسی ریشه‌ای طرح این گونه مباحث و پاسخی جامع و بنیادین به همه اشکالات مطرح‌شده توسط این جریان را امکان‌پذیر می‌سازد. در نتیجه با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، نشان داده شده که برخلاف فراتاریخیت هم لفظ و هم معنای قرآن، این جریان صرفاً معنا و مفهوم موجود در پس الفاظ را که با تعبیرات مختلفی از آنها یاد کرده‌اند، ابدی و مناسب برای زمان حال دانسته است.

کلیدواژه‌ها:

تاریخی‌نگری، فراتاریخیت قرآن، روشنفکران دینی، نواندیشان دینی، فهم قرآن کریم.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰، تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2023.66105.3711

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

fathitorghabeh@mail.um.ac.ir

۲- دانشیار گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده

esmaelizadeh@um.ac.ir

مسئول)

۳- دانشیار گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

raeisian42@yahoo.com



طرح مسأله

فهم قرآن و کشف مراد خداوند در آیات الهی، دغدغه و اولویت نخست همه اندیشمندان اسلامی در طول تاریخ اسلام بوده است. بااین وجود در عصر اخیر، به دنبال رشد و پیشرفت تکنولوژی، شاهد ایجاد شبهه‌ها، چالش‌ها، پرسش‌ها و اشکال‌های فراوانی پیرامون چگونگی کارآمدی دین در عرصه‌های مختلف زندگی انسان هستیم؛ مسأله‌ای که حاصل جست‌وجو برای پاسخ به آن، مطرح شدن آراء و نظرهای مختلفی در این زمینه بوده که بخش فراوانی از آنها به‌نوعی به مقوله فهم قرآن و نحوه پاسخگویی این کتاب الهی به نیازهای انسان در هر عصر مربوط است.

بخشی از این آراء و نظرها پس از عبور از تب‌وتاب‌های انقلاب اسلامی، به دنبال بحث‌های نظری پیرامون نظریه حکومت اسلامی و زوایای مختلف آن و بخشی دیگر در دوران حاضر، به دنبال رخداد حوادث جاری جامعه در موضوعات مختلف و به‌ویژه در مورد زنان، توسط برخی ایرانیان مطرح شده است. اینان تلاش نموده‌اند با ارائه نظریه و طرح موضوعات مختلف، راه حل جامعی را برای برون‌رفت از همه این اشکالات و شبهه‌ها، فراروی قرآن‌پژوهان قرار دهند و به این ترتیب، به حل مشکلات موجود در ایران معاصر، بپردازند. این دیدگاه‌ها چنان متکثر و متنوع بوده که سبب گردیده برخی به دسته‌بندی صاحبان آنها در قالب پنج طیف مختلف در ایران معاصر، یعنی مسلمانان سنتی یا محافظه‌کار، نوستی یا نواندیشان محافظه‌کار، تندرو یا بنیادگرا، نواندیش و تجدیدنظرطلب اقدام کنند. (کدیور، طیف‌های جدید اسلامی در ایران معاصر، <https://kadivar.com/19477>. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۱۰/۲۲) بااین وجود مشاهده می‌شود که برخی از این دیدگاه‌ها -به‌طور ویژه، آن دسته که توسط دو دسته اخیر، یعنی مسلمانان نواندیش و تجدیدنظرطلب پیرامون ماهیت قرآن کریم و چگونگی فهم و تفسیر آن مطرح شده- با مخالفت‌های بسیاری از سوی دیگر طیف‌ها و گروه‌های اسلامی مواجه شده که حاصل آن، نگارش کتب، مقالات و نوشتارهای متعدد و بی‌شماری در راستای پاسخگویی به شبهات و اشکالات مطرح‌شده توسط آنان بوده است.

اما چیزی که روشن است، اینکه این اندیشه‌های نواندیشی پیرامون فهم و تفسیر قرآن کریم، تنها منحصر به ایران اسلامی نبوده و هر روز شاهد مطرح‌شدن رو به رشد نظریه‌ها و دیدگاه‌های متنوعی از جانب نواندیشان مسلمان سایر مناطق و کشورهای عربی و غیرعربی، با فرهنگ‌ها و شرایط سیاسی متفاوت نیز هستیم که از جمله آنها می‌توان به



نظریه‌های تفسیر «دوحرکتی»، «مقاصدی»، «نسخ آیات فروع و احیای آیات اصول»، «نوسازی سنت» و ... اشاره نمود. این مسأله، یعنی عدم تعلق صاحبان این آراء به منطقه جغرافیایی یا سیاسی خاص، این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که باوجود اعتقاد -اگر نگوییم همه- غالب چهره‌های این جریان به ازلی، ابدی و جاودانگی قرآن کریم و آموزه‌های آن، و به‌ویژه وحیانی بودن قرآن کریم، خاستگاه طرح این نظریات از جانب نواندیشان دینی چه بوده و هست؟

پیگیری این آراء و نظرات -در راستای رسیدن به پاسخ این سؤال- باوجود تکرر و تنوع آنها، وجود نوعی قرابت و شباهت را میان آنها نشان می‌دهد. این شباهت را به‌طور مشخص، مثلاً در «حرکت از وضع موجود و زمان حاضر به زمان نزول قرآن و سپس بازگشت به زمان حاضر» (فضل الرحمان، ۱۳۹۸: ۱۲)، فرع و موقت دانستن آیات مدنی یا فروع (محمد طه، ۱۹۷۲: ۳)، تلقی کارآمدی و تناسب صرفاً مغزا و اهداف قرآن کریم و نه معنای الفاظ آن با نیازهای هر عصر (ابوزید، ۱۳۸۳: ۳۰۱) و ... در راستای تفسیر قرآن می‌توان نظاره‌گر بود.

به‌عنوان فرضیه و پاسخ احتمالی این سؤال، شاید بتوان نگاه تاریخی نسبت به قرآن کریم را که در نظریه برخی از روشنفکران، همچون عبدالکریم سروش، به‌روشنی قابل مشاهده است، به‌عنوان وجه مشترک در همه این دیدگاه‌ها ردیابی نمود. تاریخی‌نگری نسبت به قرآن کریم و تاریخ‌مند و عصری دانستن آن، به‌معنای آن است که این کتاب الهی یا ساخته اوضاع تاریخی است، یا حداقل، آن اوضاع در کیفیت و کمیت آموزه‌های آن دخیل بوده و در نتیجه، برخی آموزه‌های آن تاریخ تولید، مصرف و انقضا دارد. (عرب صالحی، ۱۳۹۱: ۵۲) گاهی خود فرد نوگرا به این نگاه اذعان دارد و این مسأله را به‌روشنی می‌توان در نظرها و دیدگاه‌های وی مشاهده نمود. اما گاهی نیز، ظاهر کلام آنان ظهوری در این مسأله ندارد که در این موارد نیز باوجود تلاش آنان در جهت اثبات محوریت و فراتاریخیت قرآن، با اندکی تحلیل، می‌توان این نگاه را در کلام آنان نیز بازجست.

این مسأله در مقالات و نوشتارهای متعددی که به نگارش درآمده، مورد اشاره قرار گرفته است؛ مقالاتی مانند «قرآن، نزول تاریخی، حضور فراتاریخی» از محمدباقر سعیدی روشن (پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۱۳۸۵، شماره ۲۸)، «بررسی رویکرد تاریخ‌مندان به معرفت دینی با تأکید به نگاه تاریخی به قرآن» از راضیه موحدی‌نیا و حسام‌الدین ربانی (پژوهش‌های معرفت‌شناختی، ۱۳۹۵، شماره ۱۲)، و کتبی همچون «تاریخی‌نگری و دین» از محمد عرب

صالحی. بااین وجود در این آثار، علاوه بر تلاش در جهت دفاع از قداست و جاودانگی قرآن کریم، صرفاً در حد ضرورت و به صورت مختصر، به نظرات تاریخ‌مند برخی نواندیشان اشاراتی شده، ولی این آراء به صورت مجموعی مورد بررسی قرار نگرفته است.

از آنجایی که تاریخی‌نگری نسبت به قرآن و تاریخ‌مند دانستن وحی، مسأله‌ای است که علاوه بر خدشه در قداست و ماهیت ماورایی این کتاب الهی، منجر به پیامدهای منفی همچون نفی بنیادهای اسلام و همه تعالیم و آموزه‌های قرآن، مرجعیت علمی این کتاب الهی و در نهایت، غیروحیانی و غیرالهی دانستن دین در همه داعیه‌داران این نگاه و طرفداران آنان خواهد شد - که نگارندگان در نوشتار دیگری به این موضوع خواهند پرداخت-، پژوهش حاضر ضمن ردیابی این نوع نگاه نسبت به قرآن کریم، به ارزیابی این مسأله خواهد پرداخت که آیا می‌توان نگرش تاریخی به قرآن کریم را به‌عنوان وجه مشترک آرای نواندیشی دینی در نظر گرفت؟ پرواضح است که اثبات این مسأله و نمایاندن این وجه مشترک، نه تنها نقش بسزایی در ارائه راه حل برای برون رفت از این نگاه و اثبات ازلی و ابدی بودن این کتاب آسمانی خواهد داشت، بلکه ضمن ایجاد تعامل بهتر با این جریان، ما را قادر خواهد ساخت که به جای بررسی و پاسخگویی موردی به شبهات یکایک آنان - چنان‌که در حال حاضر مشاهده می‌شود-، به بررسی ریشه‌ای طرح این گونه مباحث بپردازیم و راه حل و پاسخی جامع و ریشه‌ای به همه اشکالات مطرح شده توسط این جریان ارائه نماییم.

قابل ذکر است که پیرامون معرفی و نقد هر یک از روشنفکران دینی، مبانی هرمنوتیک و دیدگاه‌های آنها، نوشتارهای متعددی به نگارش درآمده است که از آن میان می‌توان به مقالات زیر اشاره نمود:

- «ارزیابی دیدگاه محمد شحرور در مبانی فهم و تفسیر قرآن کریم»، فرشته معتمد لنگرودی، فتحیه فتاحی‌زاده، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال بیست‌وپنجم، ۱۳۹۹.

- «رویکرد تاریخی فضل الرحمان به قرآن»، مهرداد عباسی، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره بیست‌وسوم، ۱۳۹۵.

- «بررسی نظریه هرمنوتیکی محمد شحرور»، مهدی رجبی، علی سائلی کرده ده، مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، شماره چهارم، ۱۳۹۵.



- «جریان نوگرایی فهم قرآن در تونس؛ مطالعه موردی: نقد و بررسی روش تفسیری محمد طالبی»، سید حسن عصمتی بایگی و دیگران، مطالعات قرآن و حدیث، شماره بیست و هشتم، ۱۴۰۰.

- «رویکرد تاریخی‌نگری محمد عابد جابری در فهم قرآن؛ لوازم و دلالت‌ها»، زهرا سلامی، سید محمدعلی ایازی و مهرداد عباسی، علوم قرآن و حدیث، شماره یکصد و سوم، ۱۳۹۸.

- «اعتبارسنجی نظریه نسخ معکوس با تکیه بر آرای محمود محمد طه»، سید ابراهیم مرتضوی، کیوان احسانی، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره سی و هشتم، ۱۳۹۸.

- «حسن حنفی؛ زندگی، آثار، دیدگاه‌ها»، علی مرشدی‌زاد، خط اول، شماره دوم، ۱۳۸۵.

بالین وجود، در هیچ یک از این آثار، نظرهای روشنفکران به‌صورت مجموعی مورد بررسی قرار نگرفته و به‌وجود یا عدم وجود این وجه جامع احتمالی در همه آنان پرداخته نشده است. در این راستا، با توجه به تعداد بی‌شمار روشنفکران مسلمان و عدم امکان استقصای کامل آنان، در ادامه، به فراخور حجم این مقاله، فارغ از مباحث فلسفی و هرمنوتیکی و به‌دور از نقد و داوری این نظرات، به ردیابی این نوع نگاه در آرای تعدادی از نواندیشان دینی که متعلق به مناطق جغرافیایی و سیاسی مختلفی همچون ایران، شبه قاره و کشورهای عربی هستند - نه جریان‌شناسی نظرها و دیدگاه‌ها و بیان و بررسی تقدم و تأخر تاریخی آنها که این خود پژوهش جداگانه‌ای را می‌طلبد - پرداخته خواهد شد. قابل ذکر است که با توجه به تمایز معنایی نواندیش و روشنفکر دینی، این افراد ممکن است از نظر تعلق به هر یک از این دو جریان متفاوت باشند. (ر.ک مایلی، مهاجرانی، ۱۳۹۵: ۳۹-۶۰) بالین وجود، مد نظر این مقاله، دیدگاه و نظرات متفاوتی بوده که هر یک از آنان در راستای فهم قرآن کریم، در جهت ایجاد سازگاری و غالباً اثبات کارآمدی دین در دنیای مدرنیته ارائه نموده‌اند. از این‌رو فارغ از این تعلق، در این مقاله از آنان با اصطلاحاتی همچون روشنفکر، نواندیش، دگراندیش و نوگرا یاد شده است. همچنین با توجه به فارسی بودن زبان مقاله و آشنایی بیشتر خواننده با نظرات دگراندیشان ایرانی، در ابتدا به بررسی این دسته پرداخته خواهد شد.

۱. بررسی آرای نواندیشان ایرانی

با وجود تعدد روشنفکران ایرانی، در ادامه به‌عنوان نمونه، به بررسی نظرات چند تن از آنان، یعنی آقایان «مجتهد شبستری»، «عبدالکریم سروش» و خانم «صدیقه و سمقی»، پیرامون چگونگی فهم قرآن بر اساس تاریخ حیات آنان پرداخته خواهد شد و در این میان، آرای «سیدکمال حیدری» نیز با توجه به تمرکز غالب تلاش‌های علمی ایشان در ایران اسلامی، مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۱-۱. محمد مجتهد شبستری

با وجود آنکه مجتهد شبستری (زاده ۱۳۱۵) قائل به الهی بودن منشأ قرآن است، اما لفظ و معنای آن را از جانب نبی دانسته و این تلقی از قرآن را، به‌عنوان کلام پیامبر ﷺ، تنها راه فهم آن می‌داند. به زعم شبستری، مراد از وحی بر اساس آیات قرآن، امداد الهی و تکلم مستقیم یا غیر مستقیم خداوند با پیامبر ﷺ است. (مجتهد شبستری، قرائت نبوی از جهان ۱، <https://neeloofar.org/1-4/>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۸/۳) پیامبر ﷺ با یاری این وحی و بر اثر این امداد، قادر شده جملاتی معنادار و دارای مفهوم را تکلم و اظهار نموده و به این ترتیب، آیات خداوند را نمودار سازد. به این ترتیب او قرآن کریم را «محصول وحی» و نه خود وحی می‌داند. (همان)

هرچند او این کتاب الهی را همچون ظهور دین اسلام و پیامبر ﷺ در برهه‌ای خاص از تاریخ در جزیره‌العرب را پدیده‌ای تاریخی و روایتگری پیامبر ﷺ تلقی نموده (همو، ۱۳۷۵: ۲۲۵)، اما برخی از آیات، همچون آیات الاحکام را مستثنا نموده و آنها را خواندن نموده‌ها و پدیدارهای جهان توسط پیامبر ﷺ نمی‌داند. در عوض وی معتقد است که آنها اوامر و نواهی هستند که پیامبر ﷺ در زمان حاکمیت خود، به‌منظور تنظیم امور اجتماعی، بر مبنای اخلاق نبوی وضع نموده است. (همو، قرائت نبوی از جهان ۱۴، <https://neeloofar.org/%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D8%AA-%D9%86%D8%A8%D9%88%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86-14/%3E>

تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۸/۳)

در نگاه وی، امر و نهی‌های موجود در کتاب و سنت ممکن است یا مولوی یا ارشادی باشند. بنابراین اگر نقش نبی را تعیین تکلیف برای بایدها و نبایدهای اخلاقی بدانیم و نه تعیین تکلیف برای همه جزئیات امور زندگی انسان، آن‌گاه می‌توانیم بسیاری از این اوامر



و نواهی را ارشادی و ناظر بر سنت عقلایی عصر نزول دانسته و در نتیجه به خود اجازه دهیم در این موارد، روش دیگری را اتخاذ کنیم. (همو، ۱۳۷۵: ۲۲۸)

به زعم شبستری، حوادث تاریخی هر عصری مربوط به همان عصر است؛ اینکه تجربه‌ها و شناخت‌هایی در یک شرایط و زمان معین باعث عزت و عظمت مسلمانان شده، این نتیجه را به دست نمی‌دهد که همان موارد اگر در شرایط و عصر تاریخی دیگری دوباره تکرار شود، حتماً باعث عظمت و عزت دنیوی مسلمان آن عصر نیز می‌شود. بنابراین وی به نادرست بودن این تصور باور دارد که مسلمانان این عصر نیز باید همان تجارب و بیان‌های مسلمانان صدر اسلام را داشته باشند. (همو، ۱۳۸۲: ۱۳۷)

همچنین وی معتقد است که هیچ مصلح فراتاریخی و فرازمانی وجود ندارد (همو، ۱۳۹۰: ۳۴۶)؛ بنابراین راه حل مشکلات و تعارضاتی که مسلمانان در مواجهه با مدرنیته با آنها روبه‌رو هستند، «قرائتی پدیدارشناسانه از ظهور اسلام» است (همو، ۱۳۹۲: ۲۴۰)؛ به این معنا که لازم است به تفسیر تاریخی این متن پرداخته شده، زمینه‌های تاریخی-اجتماعی را که این متن در آن به وجود آمده و ناظر به آنها شکل گرفته، مطالعه شده و محتوای آن به‌عنوان گفت‌وگوی متن با آن زمینه‌ها مورد فهم قرار گیرد. (همو، قرائت نبوی از جهان ۱۰،

<https://neelofar.org/%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D8%AA-%D9%86%D8%A8%D9%88%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86-10/>

تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۹/۱۰

بر مبنای این قرائت می‌توان با تفکیک ذاتیات دین از عرضیات آن، برخی از احکام و قوانین اسلام را عرضی دانسته و به جای آنها، قوانینی متناسب با شرایط کنونی وضع نمود. (همو، ۱۳۹۲: ۲۴۰)

همچنین شبستری ضروری می‌داند که فهم کتاب و سنت بر اساس «مرکز معنای متن» آنها که عبارت است از نشان دادن، بیان کردن و تحریک فرآیند سلوک توحیدی انسان، انجام گیرد. به باور این روشنفکر، دستورات و احکام دین اسلام از این بابت بوده که موانع موجود بر سر راه سلوک توحیدی را برطرف کند، نه اینکه قوانین جاودانه‌ای باشند؛ چرا که مسائل مرتبط با آیات الاحکام - گرچه به صورت غیر موضوع - در میان مردم حجاز وجود داشته است. به این ترتیب، این نوگرای مسلمان تنها «اصول ارزشی» را جاودانه می‌داند که اهداف اصلاحات و تعدیلات کتاب و سنت بوده است. از نظر او،

امضا و تأیید برخی قوانین یا عادات مردم عصر نزول توسط کتاب و سنت، به این معنا نیست که آنها فراتاریخی هستند و ادامه آنها مورد نظر کتاب و سنت بوده است. (همو، ۱۳۸۲: ۸۵-۸۷)

۱-۲. عبدالکریم سروش

نگاه تاریخی به قرآن کریم در دیدگاه عبدالکریم سروش (زاده ۱۳۲۴ش) چنان مشهود است که این مسأله در غالب پژوهش‌های مربوطه، مورد توجه و اشاره قرار گرفته است. بر اساس نظریه «رؤیای رسولانه» وی، قرآن حرکت و بسط تاریخی یک تجربه تدریجی‌الحصول پیامبرانه بوده که حول شخصیت پیامبر ﷺ شکل گرفته و متشکل از تجارب درونی و بیرونی است که ایشان از سر گذرانده است. (سروش، ۱۳۸۲: ۱۹) این کتاب الهی در متن دادوستد و زدوخوردهای زمان نزول متولد شد و با حفظ روح و امهات و محکماش، تدریجی‌النزول و تدریجی‌الحصول شده، تکون تاریخی پیدا کرد. (همان، ۲۰) به زعم این نوگرا، خداوند متعال معنای بی‌صورت را بر پیامبر ﷺ نازل نموده و خود ایشان با توجه به مقتضیات و مسائل عصر نزول، به این معنا صورتی بشری داده و از همین رو، شاهد جلوه‌گری شخصیت بشری-تاریخی ایشان در سراسر قرآن هستیم. (همو، ۱۳۹۷: ۳۴) همچنین او با توجه به پارادوکس‌های موجود در قرآن، که آن را لازمه عالم خیال و خواب و رؤیا می‌داند (همان، ۱۴۰)، بر این نظر است که باید قرآن را مانند «خواب‌نامه» ای در نظر گرفت و برای فهم درست آن به‌جای تفسیر، به خواب‌گزاری و تعبیر این رؤیاها پرداخت. (همان، ۹۵)

افزون بر این، وی قرآن کریم و به‌ویژه آیات الاحکام را به دو بخش عَرَضی (صورت) و ذاتی (مضمون) تقسیم می‌کند. بنا به گفته او، مراد از «ذاتی»، مدلول واپسین، روح آیات قرآن یا همان مقاصد شریعت است که اسلام بدون آنها اسلام نیست و تغییر و دگرگونی آن، منجر به پیدایش دین دیگری می‌شود. این روح یا ذات هیچ‌گاه به‌صورت برهنه نبوده و خود را در جامه‌ای از جامه‌ها و چهره‌ای از چهره‌ها عرضه می‌کند که همان «عرضی» دین را تشکیل می‌دهند. عرضی‌ها اصالتی مکانی و زمانی داشته و بنا بر عوامل و شرایط مختلف، در شکل‌ها و صورت‌های مختلفی ظاهر می‌شوند؛ یعنی دین برای ابراز و تفهیم مقاصد خود از زبان، مفاهیم و شیوه‌های خاصی کمک می‌گیرد که مربوط به زمان، مکان و مخاطبان خاص خود و عصر نزول است؛ اگر شرایط به‌گونه‌ای دیگر بود، این موارد برخلاف ذاتی‌ها،



می‌توانستند به گونه‌ای دیگر باشند. بنابراین برای کارآمد بودن قرآن و به‌ویژه آیات الاحکام، باید به اجتهاد به‌معنای «ترجمه فرهنگی» پرداخت؛ یعنی در پرتو نظریه تفسیر شده‌ای از انتظارات ما از دین، ابتدا باید کالبد تاریخی دین را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، عرضیات آن را شناخت و تعلیمات دینی را از غیر دینی تمیز داد، سپس به فحص، استقراء و معاینه دقیق اجزای درونی مکتب پرداخت و با فرض طرح‌های ذهنی و احوال و شرایط ممکن و محقق نشده تاریخ، پوسته‌ها و غبارهای عرضی را کنار زد و در نهایت، به ذات و تئوری در باب ذات دین و مقاصد شارع رسید. (همو، ۱۳۸۲: ۲۹-۸۲)

چنان‌که روشن است، در سراسر کلام این روشنفکر ایرانی، می‌توان به‌وضوح نظاره‌گر نگاه تاریخی افراطی وی نسبت به قرآن کریم بود؛ به طوری که او تمسک به ظواهر قرآن را عین مصادره به مطلوب دانسته (همو، ۱۳۹۷: ۱۸۷)، بر این باور است که صورت الفاظ و عبارات قرآن، ساخته و پرداخته ذهن و خیال پیامبر ﷺ بوده و صرفاً روح، گوهر و ذاتیات آن هستند که جنبه فراتاریخی دارند. همچنین وی مدعی است که فقه صرفاً یک علم تاریخی است و تنها مناسب عرف زمانه پیامبر ﷺ و جامعه‌ای بود که رسول خدا آن را بنا کرد و هیچ دلیلی وجود ندارد که ثابت کند عرف زمان پیامبر ﷺ بهترین عرف عالم بوده و قوانین قرآن که مناسب آن جامعه است، کارآمد برای همه جوامع در همه زمان‌هاست. بنابراین به زعم سروش، همه اوامر و نواهی در قرآن، متعلق به پیامبر ﷺ و در نتیجه بشری، مقطعی و مشروط به شرایط نزول هستند. (همان، ۳۹۷-۴۰۰)

۳-۱. سیدکمال حیدری

سیدکمال حیدری (زاده ۱۳۳۵ش در کربلا) از دیگر روشنفکرانی است که با هدف «استحکام مبانی و پایه‌های مکتب تشیع برای پاسنگویی بهتر به نیازهای زمان»، «پیرایش آن از روایات غیر معتبر و اجتهادات نادرست» (حیدری، اهداف حرکت اصلاحی آیت الله حیدری؛ کانال سیدکمال حیدری در پیام‌رسان ایتا، <https://eitaa.com/alhaydari>). تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۵/۱۳) و در نهایت، «هر چه نورانی‌تر و قابل قبول‌تر جلوه دادن دین و مذهب» (همو، هدف و مبانی حرکت اصلاحی آیت الله سیدکمال حیدری در حوزه معرفت دینی، <http://alhaydari.com/fa/2018/06/6312/>). تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۵/۱۵)، اقدام به «حرکت اصلاح دینی» نموده است که «اسلام قرآن‌محور» (اسلام محوریة القرآن) از جمله مهم‌ترین و اساسی‌ترین مبانی آن است.

بر اساس این نظریه، «کتاب الهی» و «عقل قطعی» محور اصلی در حرکت دینی بوده و سنت نیز نقشی مداری و جانبی داشته و صرفاً آنچه را که در قرآن کریم به صورت اجمالی بیان شده، تبیین، تفصیل و استوار می‌سازد. این نظریه برخلاف اندیشه «اسلام حدیث‌محور» است که سنت را اساس دین‌شناسی قرار داده و قرآن و عقل را در حاشیه می‌گذارد. (حیدری، گام چهارم از حرکت اصلاح اندیشه دینی، اسلام قرآن‌محور، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله العظمی سیدکمال حیدری، <<http://alhaydari.com/fa/2019/03/8773/>>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۵/۱۷)

به این ترتیب، این نوگرای شیعی تلاش می‌کند با استفاده از این نظریه، توأم با دیگر مبانی تفسیری‌اش، موضوعات مختلف دینی و مخصوصاً پرچالش را مورد خوانش مجدد و متفاوت قرار دهد و به این وسیله، بر کارآمدی دین در عصر حاضر صحه بگذارد.

هرچند مسأله‌ای که باعث محور قرار گرفتن قرآن نزد این دگراندیش شده، اعتقاد به فرازمانی و فرامکانی این کتاب، در مقابل تاریخ‌مند بودن روایات است و وی مکرراً در خلال سخنانش به آن اشاره نموده است، اما به وضوح می‌توان تاریخی‌نگری وی نسبت به قرآن کریم را در آراء و نظرات وی مشاهده نمود؛ به طوری که او بر این باور است که برخی آیات قرآن به تاریخ و شرایط معینی مربوط هستند؛ چرا که نزول قرآن در زمان پیامبر ﷺ، به خاطر اداره امور مردم بود و بنابراین شرایط آنان در آن اخذ شده و از همین رو، برخلاف اکثر مطالب موجود در قرآن که متعلق به همه زمان‌ها و مکان‌هاست، برخی از آیات عمومیت نداشته، تاریخ‌مند بوده و مربوط به شرایط خاصی می‌شوند. (همو، تغییر احکام فقهی بسته به شرایط زمانی و مکانی (۱)، <<http://alhaydari.com/fa/2019/10/9195/>>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۵/۱۰)

به‌عنوان مثال، وی مسأله قومیت مرد بر زن در آیه ۳۴ نساء را حکمی اجتماعی و مربوط به شرایط مکانی و زمانی دانسته که در شرایط کنونی قابل تغییر است؛ به این صورت که این مسأله منحصر به مردان نیست و هر یک از زن و مرد می‌توانند به صورت مجزا و یا مشترکاً سرپرست خانواده باشند و این مسأله از نظر وی، با کیفیت مدیریت خانواده توسط هر یک از آنها ارتباط مستقیم دارد (همو، حکم سرپرستی و قومیت زنان، کانال سیدکمال حیدری در پیام‌رسان ایتا، <<https://eitaa.com/alhaydari>>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۷/۲۰)

۱-۴. صدیقه و سمدی

اعتقاد به تاریخ‌مندی قرآن کریم در کلام صدیقه و سمدی (زاده ۱۳۴۰ش) از دیگر نوگرایان ایرانی نیز به روشنی قابل ملاحظه است. اگرچه این استاد پیشین دانشگاه تهران،



قرآن کریم را مهم‌ترین منبع شناخت اسلام و تکالیف آن می‌داند، اما بر این باور است که موضوعاتی که در آن مورد اشاره قرار گرفته، به عرف، فرهنگ و باورهای مخاطبان زمان خود، یعنی حدود چهارده قرن پیش مربوط بوده که این فاصله زمانی و مکانی، فهم آن را برای ما با مشکل مواجه می‌سازد؛ به طوری که امروزه حتی اعراب نیز برای فهم قرآن نیاز به تفسیر دارند. (وسمقی، بی‌تا: ۱۰۴-۱۰۷)

همچنین وی با زیر سؤال بردن برخی دلایل مربوط به ابدیت شریعت، آنها را ادعای اثبات‌نشده دانسته، بر این نظر است که از نظر عقلی، تلازمی میان خاتمیت پیامبر اسلام ﷺ و ابدی بودن شریعت وجود ندارد. (همان، ۲۲۴) بنا به گفته وی، پیامبر اسلام ﷺ همچون دیگر پیامبران ﷺ، به هدایت قوم خود پرداخت و این امر متناسب با فرهنگ، سنت‌ها و ظرفیت فکری آنان بود. همچنین قوانینی که توسط ایشان وضع و اصلاحاتی که انجام شد نیز بر اساس ساختار فرهنگی-تاریخی جامعه‌ای بود که در آن زندگی می‌کرد و با معضلات و نارسایی‌های موجود در آن ارتباط داشت. (همان، ۲۶۸) حتی وی خطابات قرآن را صرفاً مربوط به پیروان حاضر در نزد پیامبر ﷺ دانسته، بر این باور است که برخلاف عدم وجود دلیل مطمئنی مبنی بر عمومیت خطابات قرآن و روایات، دلایل عقلی و عرفی حکایت از آن دارند که ما مخاطب آیات و روایات نیستیم. (همان، ۲۵۸) از نظر وی، اگر هدف پیامبر ﷺ انتقال بی‌کم‌وکاست پیام خداوند به افراد غایب و آیندگان و مکلف کردن آنها به برخی امور بود، باید برای انتقال دقیق آن، شیوه‌ای مطمئن را در پیش می‌گرفت و آن دستورات و تکالیف را به صورت روشن و دور از ابهام، به نگارش درمی‌آورد تا همه با اطمینان از آنها آگاه شوند؛ درحالی که نگارش آیات و تنظیم قرآن در زمان پیامبر ﷺ، مانند یک سند مهم و دقیق به نگارش درنیامد. (همان، ۲۶۳)

به این ترتیب، وسمقی هم‌سو با بسیاری از دگراندیشان دیگر، فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن کریم را صرفاً مربوط به تعالیم اخلاقی و اعتقادی آن دانسته، بر این نظر است که همه می‌توانند با استفاده از عقل و دانش خود، این آموزه‌ها را درک نموده و در زندگی خود به کار گیرند و بحث در مورد لازم‌زمانی و لامکانی بودن شریعت، تنها در صورتی منطقی است که شریعت به این نوع از آموزه‌ها محدود گردد. (همان، ۱۴۰) همچنین او با نفی ابدی بودن بسیاری از آیات الاحکام و محدودسازی کارایی آنها به عصر نزول، معتقد است وضع قانون توسط پیامبر ﷺ صرفاً بنا بر ضرورت جامعه خود و به دنبال پرسش پیروانش صورت می‌گرفت. به زعم وی، از آنجایی که در این آیات می‌توان ردپای ویژگی‌های عرفی زندگی

مخاطبان قرآن را مشاهده نمود، نمی‌توان ادعا نمود که این دسته از آیات در همه زمان‌ها و مکان‌ها لازم‌الاجرا هستند. (همان، ۱۴۱)

۲. بررسی آرای نواندیشان غیر ایرانی

چنان‌که بیان شد، به‌نظر می‌رسد علاوه بر نواندیشان ایرانی، تاریخی‌نگری نسبت به قرآن کریم در آرای نوگرایان دیگر مناطق نیز قابل‌ردیابی است. بنابراین در ادامه، دیدگاه برخی از آنان، یعنی «محمود محمد طه» از سودان، «فضل الرحمن» از شبه قاره، «محمد الطالبی» از تونس، «حسن حنفی» و «محمد شحرور» از سوریه، و «نصر حامد ابوزید» از مصر، صرفاً در مورد فهم و تفسیر قرآن کریم، به ترتیب تاریخ حیات آنان -همچون گروه قبل- بررسی خواهد شد.

۲-۱. محمود محمد طه

در اثبات نگاه تاریخی محمود محمد طه (۱۹۰۹-۱۹۸۵) به قرآن کریم باید گفت که از نظر او، این کتاب همان گونه که بین مکی و مدنی تقسیم شده، منقسم میان اسلام و ایمان نیز گردیده است. (محمد طه، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۳۲) او آیات مکی را آیات اصول یا همان اسلام، و آیات مدنی را آیات فروع یا ایمان نامیده (همان، ۱۴۸) و معتقد است آیات دربردارنده «یا ایها الذین آمنوا» مخصوص امت زمان نزول، و صرفاً آیاتی که شامل خطاب «یا ایها الناس» هستند، مربوط به همه مردم هستند. (همان، ۱۳۱)

به زعم وی، اسلام با نزول آیات اصول در مکه آغاز شد. ولی از آنجایی که این آیات فراتر از تحمل مردم آن زمان بودند، اجرای آنها در مکه با شکست مواجه شد و این آیات منسوخ شدند. باین وجود، از آنجایی که فضل خداوند بر مردم بود، قرآن فرعی نازل شد که متناسب با زمان و مردم آن زمان بود. از نگاه محمد طه، این آیات فرعی یا فروع قرآن، در حقیقت اولین تطبیق آیات اصول بود که متناسب با شرایط آن زمان انجام گرفت (همو، ۱۳۹۲: ۲۳) و رسالت اول اسلام را تشکیل داد. او این رسالت را رسالت مؤمنان معرفی می‌کند؛ یعنی اسلامی که در مدینه رخ داد و قوانین و تشریحات آن به تفصیل توسط پیامبر ﷺ بیان شد. (همو، ۱۳۸۹: ۱۲۹) به این ترتیب، وی آیات فروع قرآن همچون جهاد، حجاب، تعدد زوجات، طلاق و حتی جدایی مرد از زن را اصل اسلام ندانسته،



معتقد است این دسته از آیات، مربوط به مؤمنان عصر نزول بوده و متناسب با طاقت و شرایط زمان آنان نازل شده (همان، ۱۴۲-۱۶۲)، و مناسب عصر حاضر نیست.

به این ترتیب، این نواندیش سودانی نظریه خود را با عنوان «نسخ آیات الفروع و بعث آیات الاصول» (نسخ آیات فروع و احیای آیات اصول قرآن) (همو، ۱۳۹۲: ۲۶) ارائه داده و رسالت دوم اسلام را مبتنی بر آن می‌داند. بر اساس این نظریه که مشهور به «نسخ معکوس» نیز می‌باشد، باید از نص فرعی قرآن به نص اصلی آن گذار کرد و با فهم اصول دین (آیات اصول)، شریعت را از صورت‌هایی که در قرن هفتم میلادی نازل شد و دارای خصوصیات آن زمان هستند، متناسب با نیاز امروز، تطور و تغییر داد. (همو، ۱۳۸۸: ۳۳)

۲-۲. فضل الرحمان

به باور فضل الرحمان (۱۹۱۹-۱۹۸۸)، قرآن پاسخ خداوند از طریق ذهن پیامبر ﷺ به شرایط اجتماعی-اخلاقی عربستان زمان نزول، و به‌ویژه مسائل جامعه تجاری مکه در آن روزگار است؛ گاهی صرفاً به سؤال یا مسأله‌ای پاسخ می‌دهد، و گاهی نیز به بیان برخی قوانین کلی خاص می‌پردازد. اما حتی در مواردی که پاسخی به‌وضوح داده شده نیز می‌توان به مطالعه دلایل طرح چنین پاسخ‌هایی پرداخت و با مطالعه پیشینه آنها، قوانینی کلی را استخراج نمود. (Rahman, 1982: 5)

همچنین او بر این نظر است که در میان ارزش‌های مختلف، تنها گزاره‌های کاملاً اخلاقی، فراتاریخی و متعالی هستند؛ چرا که مطرح‌شدن آنها در مرحله‌ای از تاریخ، باعث از بین رفتن تأثیر عملی و حتی معنای آنها نخواهد شد. (Ibid: 5) به عقیده وی، اگر سیستم اخلاقی نظام‌مندی بر مبنای قرآن ایجاد می‌شد، علاوه بر اجرای عدالت در شریعت اسلامی، مقولات حقوقی، سیاسی و دیگر مباحث مهم در اسلام، از انسجام و هماهنگی برخوردار می‌شدند. (Idem, 1979: 256) بنابراین با هدف پرکردن این خلأ و به‌تبع آن، حل برخی مشکلات صعب‌العلاج دنیای اسلام، وی روش ابداعی خود در زمینه فهم و تفسیر قرآن، موسوم به «نظریه دوحرکتی» (Double movement) را ارائه نمود. (Idem, 1982: 5)

حرکت اول از فرآیند تفسیری دوحرکتی وی، متشکل از دو مرحله است. در مرحله نخست، پس از مطالعه شرایط کلان عربستان و به‌ویژه مکه در صدر اسلام، از نظر اجتماعی، مذهبی و رسم و رسوم، شرایط تاریخی عصر پیامبر ﷺ یا مشکلی که باعث

نزول آیه شده، مورد مطالعه قرار گرفته و در نهایت، معنا و مفهوم آیه و عبارت مورد نظر، در آن بافت تاریخی فهمیده می‌شود. مرحله دوم از حرکت اول نیز به تعمیم این پاسخ‌های خاص و اعلام قوانین کلی اخلاقی-اجتماعی آنها اختصاص دارد که از دل این آیات، با استفاده از پیشینه تاریخی-اجتماعی آنها بیرون کشیده شده‌اند. همچنین این دیدگاه‌های کلی استخراج شده لازم است به صورت دیدگاه‌های خاص قابل فهم برای زمان حال تدوین شده و در بافت تاریخی-اجتماعی عینی کنونی نمود پیدا کنند. بنابراین در حرکت دوم، بار دیگر به مطالعه دقیق شرایط زمان حاضر و تحلیل اجزای مختلف سازنده آن پرداخته می‌شود تا به این ترتیب، ضمن ارزیابی شرایط فعلی و تغییر آن به میزان لازم، اولویت‌های جدیدی به منظور اجرای دوباره ارزش‌های قرآن، تعیین گردد. (Ibid)

هرچند فضل الرحمان تلاش نموده با ابداع نظریه خود، راه حل و روشی درخور برای فهم قرآن و در ادامه، حل معضلات جهان اسلام در دنیای معاصر ارائه دهد و معتقد است که با انجام موفقیت‌آمیز هر دو حرکت، آموزه‌های قرآن بار دیگر در عصر کنونی زنده شده و تأثیر خود را بازخواهد یافت (Ibid: 7)، اما به مجرد کوچک‌ترین تأمل در نظریه وی نیز می‌توان به روشنی، رد پای تاریخ‌مندی قرآن را باز یافت؛ چرا که در این نظریه نیز، آنچه فرازمانی و فرامکانی دانسته شده، نه خود الفاظ قرآن، که پیام‌های اخلاقی برآمده از آنها هستند. به دیگر سخن، از نظر این نواندیش، ظاهر الفاظ و آیات قرآن در تعامل با بافت تاریخی زمان پیامبر ﷺ نزول یافته‌اند و در نتیجه این عبارات، منقضی شده، تنها برای همان زمان کارایی دارند و ازلی و ابدی بودن قرآن مربوط به پیام‌های اخلاقی است که در پس عبارات آن است و این مسأله چیزی نیست، جز نگاه تاریخی و اعتقاد به تاریخ‌مندی قرآن کریم.

۲-۳. محمد الطالبی

از نظر الطالبی (۱۹۲۱-۲۰۱۷)، قرآن کریم کتابی نازل شده از جانب خداوند و برای همه زمان‌هاست. (طالبی، ۱۹۹۹: ۳۷) او نیز نه تنها قرآن و سنت موافق با آن را تنها مرجع خود معرفی نموده و هر حدیثی را که در تعارض با قرآن باشد، حتی با وجود داشتن سندی محکم، نپذیرفته و آن را کذب می‌شمارد (همو، ۲۰۱۷: ۹)، بلکه موفقیت دینی را در گرو بازگشت به کتاب الله و قرائتی بانفوذ، پرنشاط، همواره به‌روز و رو به جلو از آن می‌داند. (همان، ۲۴۸)



با این وجود، به روشنی می‌توان نگاه تاریخی این نواندیش را نیز نسبت به قرآن نظاره‌گر بود. از نظر طالبی، برای رسیدن به تفسیری عصری و کارآمد از قرآن کریم، لازم است به سخن خداوند با گوش‌های مدرن و در لحظه حاضر گوش سپرد. (همو، ۱۹۹۹: ۳۷) در این مسیر، وی به‌عنوان یک مورخ، با تکیه بر دانش خود در زمینه تاریخ، در مرحله اول فهم خود از قرآن، به تحلیل جهت متن (تحلیل الاتجاهی للنص) پرداخته، تلاش می‌کند قرائتی پویا از متن ارائه دهد. این قرائت، بنا به گفته وی، متوقف بر واژگان لغوی قرآن نبوده و حتی ممکن است با حروف و الفاظ قرآن منطبق نباشد، اما در نهایت با جهت متن (مقاصد شارع) تطابق دارد. (همو، ۱۹۹۲: ۱۴۴) به دیگر سخن، وی معنای مستفاد از ظاهر الفاظ و عبارات قرآن را صرفاً مربوط به عصر نزول دانسته، تلاش می‌کند با قرار دادن آیات در ظرف نزول و مطالعه تاریخی آنها، به مراد و مقصود الهی دست یافته و به این ترتیب، به حل مشکلات معاصر بپردازد. بنابراین در عمل آنچه که از قرآن در نظر او فراتاریخی و مناسب برای همه زمان‌ها می‌نماید، نه ظواهر کتاب، که مقاصد و مراد الهی از متن قرآن است.

به این ترتیب، طالبی در این روش تاریخی تفسیری خود، که آن را «قراءة المقاصدیه للنص الدینی» (قرائت مقاصدی) نامیده، تلاش می‌کند با ارائه قرائتی تاریخی-انسانی از قرآن، مقاصد شارع را با تکیه بر تطور تاریخی متن قرآن روشن کند. (همان، ۱۴۲) به بیان طالبی، با تطور تاریخ و تغییر عقلیات، قطعاً فهم انسان از نص نیز پیوسته به دنبال کشفی جدید و مستمر از مقاصد نص و مقاصد الهی است و در لحظه و مکانی که در آن زندگی می‌کند، متغیر است. بنابراین مقاصد نص از نظر او، همان جهتی است که متن قرآن به آن اشاره می‌کند و ما آن را از میان مراحل مختلف تاریخ و تطور آن استنباط می‌کنیم. جهت این مسیر یا به تعبیر او «فلش جهت‌دار»، به سمت غایت و هدفی است که مورد نظر خداوند و مقصود او بوده و باید برای حل مشکلات موجود، در این مسیر به سوی جلو -نه توقف و یا حرکت رو به عقب- در طریق مستقیم حرکت کرد. (همان، ۱۸۹)

۲-۴. حسن حنفی

حسن حنفی (۱۹۳۵-۲۰۲۱)، از جمله نوگرایان مسلمان مصری، صرفاً علم الهی پیش از تدوین قرآن را وحی مقدس دانسته، معتقد است که این وحی از زمان تدوینش در لوح محفوظ، در زبان، مکان و زمان مدون شده و با نزول جبرئیل و بیشتر شدن وحی و ازدیاد

حاملان قرآن، از محمول اول که همان کلام خدا در علم الهی است، دورتر گردیده است. (حنفی، ۲۰۰۹: ۲۵) همچنین وی ضمن خطا دانستن تلقی افراد از قرآن به‌عنوان کلام ابدی خداوند، بر این باور است که کتاب الهی برای مصالح انسان نازل شده، سخن خداوند برای او و مقصد و هدفش، افراد بشر و مصلحت آنهاست. (همو، ۱۹۹۸: ۲۳)

مهم‌ترین مسأله نزد حنفی، نزول تدریجی قرآن در واقعیت، به‌عنوان وجه تمایز این کتاب الهی از کتب مقدس دیگر است. (همو، ۱۹۸۱: ۷۰) او معتقد است که وحی بر کلام بشر، اعم از رسول اکرم، مؤمنان، کافران، اهل کتاب و به‌خصوص یهود بنا شده است. او در این راستا به آیاتی اشاره می‌کند که کاملاً برگرفته و اقتباس از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، در نشأت و سبب نزولش است. بنابراین با مدنظر قرار دادن اینکه همه آیات بعد از وقوع سبب نازل شده‌اند، شرط بودن ادنی (سبب) برای اعلی (نزول) و درنهایت، اولویت داشتن جامعه بر وحی، مردم بر قرآن و زندگی بر فکر و اندیشه را نتیجه می‌گیرد. (همو، ۱۹۹۸: ۲۰) به زعم حنفی، همان‌گونه که اسباب نزول نشان می‌دهد که وحی در ابتدا بر واقعیت تحمیل نشده، بلکه پاسخی به آن بوده و اولویت واقعیت بر فکر را می‌نمایاند، در عصر حاضر نیز نمی‌توان تغییر اجتماعی را با تحمیل افکار بر مردم به‌وجود آورد، بلکه همچون اسلام ابتدای نزول، باید این تغییر را از طریق بیان واقعیت افراد، فرموله کردن مشکلات و بیان خواسته‌های آنها در یک ایدئولوژی کامل به‌وجود آورد. (همو، ۱۹۸۱: ۷۱) به این ترتیب، در نگاه او واقعیت، منبع و مصدر وحی و حتی از آن بلیغ‌تر بوده و آغاز کردن با واقعیت، در حقیقت رجوع به منبع، اساس و مصدر نص است. (همان، ۷۲-۷۴)

حسن حنفی پس از بررسی مناهج مختلف تفسیری در میراث کهن ما، «منهج اجتماعی» در تفسیر قرآن را بهترین روش در زمان حاضر معرفی می‌کند؛ چرا که «موضوعی»، «زمانی» و «واقعی بودن» بوده، از اسلام عام جاودانه‌ای که زمان و مکانی ندارد و ماورای واقعیت است و مشکلات مردم را حل نمی‌کند، سخن نمی‌گوید و به‌جای دفاع از خداوند و اسلام، صرفاً به حمایت از مسلمانانی می‌پردازد که حامی دیگری ندارند. (همان، ۱۰۲-۱۰۸)

تاریخی‌نگری حنفی را در پروژه‌اش با عنوان «التراث و التجدید» (سنت و نوسازی) نیز می‌توان نظاره‌گر بود؛ به‌طوری که او مخالف با تلقی سنت، به‌عنوان مجموعه‌ای از عقاید نظری ثابت و حقایق دائمی غیر قابل تغییر بوده و آن را متشکل از اموراتی می‌داند که در شرایطی معین، در جایگاه تاریخی مشخص و نزد جماعت خاصی محقق شده و



نگاه و جهان‌بینی آنان را شکل داده است. (همو، ۲۰۰۲: ۱۵) همچنین به باور او، دین عبارت است از سنت جماعتی معین که در لحظه مشخصی از تاریخ به‌وجود آمده و می‌توان آن را مطابق با لحظه تاریخی پیش رو تغییر داد. (همان، ۲۴) حتی وی با تلقی اسلام به‌عنوان یک دستاورد تاریخی و نه یک دین، از به‌کار بردن وصف «اسلامی» برای سنت که آن را تمدنی می‌داند که ناشی از تأثیر زمان و مکان است، احتراز کرده (همان) و به این ترتیب با رفع تقدس از دین، راه را برای انجام پروژه‌اش، یعنی نوسازی میراث و سنت باز می‌کند.

بنا به گفته حنفی، در بخش اول این پروژه، به‌منظور به حرکت درآوردن مجدد فرآیند تمدن و ارتباط فکر و اندیشه با واقع و علوم با تاریخ، به میراث گذشته پرداخته شده، ضمن ورود به ساختار و رجوع به ریشه‌های آن و تبیین ظهور و تحول آن تمدن، علوم سنتی مورد بازسازی قرار می‌گیرد. در بخش دوم، تحلیلی از واقعیت معاصر ارائه گردیده و در بخش سوم یعنی نظریه تفسیر، تلاش می‌شود که وحی با مراجعه به تمدن انسانی کنونی و رهاسازی آن از رکود تاریخی قدیم، مورد تفسیر مجدد قرار گیرد. به این ترتیب، با تبدیل نیروی وحی به نیروی بشری، آن را به واقعیت ما سرازیر نموده و به‌وسیله آن، موضع تمدنی خود را نسبت به تمدن‌های معاصر مشخص می‌نماید. (همان، ۱۷۶-۱۸۶)

۲-۵. محمد شحرور

از نظر محمد شحرور (۱۹۳۸-۲۰۱۹) -روشنفکر مسلمان سوری- قرآن کریم یا بنا به گفته وی، «الکتاب» یا «تنزیل حکیم»، وحی شده از جانب خداوند متعال بوده و نص آن تحریف و تغییر نیافته و قابل فهم برای همه زمان‌هاست. (شحرور، ۱۹۹۶: ۳۶) اگرچه وی تلاش نموده با آشنایی زدایی (de-familiarisation) (Christmann, 2004: 263) از اصطلاحات و عناصر آشنا و مألوف در زمینه قرآن کریم و دسته‌بندی متفاوت آیات، ضمن بیان ویژگی‌های متمایز هر بخش از مصحف و چگونگی فهم آنها، خوانشی معاصر و امروزی از آیات قرآن ارائه دهد، اما تأمل در آرای وی، به‌روشنی نگاه تاریخی وی به این کتاب الهی را نشان می‌دهد.

او تنزیل حکیم را به دو دسته، یعنی کتاب (آیات) رسالت و کتاب (آیات) نبوت تقسیم می‌کند. مراد از آیات رسالت یا «محکمت»، مجموعه قواعد رفتار انسانی، حلال و حرام و باید‌ها و نبایدهاست و همه بخش‌های آن، به استثنای عبادات و اخلاق و حدود،

با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی، قابلیت اجتهاد دارند. (شحرور، ۱۹۹۶: ۳۷) آیات نبوت نیز از دو دسته «متشابهات» و «تفصیل الکتاب» تشکیل شده است. آیات متشابهات دربردارنده حقایق، علوم و قوانین هستی است که خداوند پیامبرش ﷺ را از آنها آگاه کرده است؛ همچون آیات ۳۸-۴۰ سوره یس که در آنها از گردش خورشید و منازل ماه سخن به میان آمده است. این بخش از مصحف در دیدگاه شحرور، بر اساس آیه ۸۷ سوره حجر، متشکل از دو بخش «القرآن العظیم» و «سبعاً من المثانی» است. معیار تمایز این بخش از تنزیل حکیم، یعنی متشابهات (نبوت) از آیات محکّمات (رسالت)، این است که متشابهات جملات اخباری و تقریری هستند و در آنها امر و نهی وجود ندارد. (همو، ۲۰۱۱: ۵۸-۵۹) همچنین وی تشابه را به معنای «ثبات نص و حرکت محتوا» می‌داند؛ به این معنا که آیات متشابه در عین ثابت بودن شکل لغوی آنها، در طول اعصار و زمان‌های مختلف، قابلیت تأویل داشته و تابع علم نسبی هستند. تفصیل الکتاب نیز در این نظریه، آیات شارح آیات محکم و متشابه هستند. (همو، ۱۹۹۶: ۳۶)

به این ترتیب، اگرچه این روشنفکر تلاش نموده با ارائه تفسیری معاصرانه در مورد موضوعات اشاره‌شده، بر اعتقاد به جاودانگی و فراتاریخی و فرامکانی بودن قرآن کریم صحه بگذارد، اما علاوه بر موارد بالا، باز هم نگاه تاریخی وی نسبت به برخی از آیات را می‌توان با تأمل در تفسیرش از آیات الاحکام رصد نمود؛ به طوری که وی نیز با وجود تأکید بر فراتاریخیت قرآن و «ثبات نص»، همچون دیگر نواندیشان، برخی آیات را قابل استفاده برای زمان حال نمی‌داند که به عنوان مثال می‌توان به مسأله «ملک یمین» در آیه ۳۱ سوره نور اشاره نمود. (همو، ۲۰۰۰: ۳۶۹) علاوه بر این، شحرور با تعلیمی خواندن برخی آیات تشریحی قرآن، در عمل حکم آنها را ملغی کرده و آنها را مربوط به زمان حال نمی‌داند. (همو، ۱۳۹۹: ۲۲۱) این نگاه تاریخی به قرآن را می‌توان در ضمن بیانات شحرور در مورد آیات رسالت نیز مشاهده نمود؛ به طوری که وی امور حلال را محدوده حاکمیت بشری دانسته، معتقد است اگرچه انسان اجازه ندارد امور حلال را حرام گرداند، ولی قانون بشری می‌تواند برای ساماندهی به جامعه، درباره آنها قید و بند وضع کند. پرواضح است که وضع قید و بند برای امور حلال و قرار دادن مجازات برای تجاوز از آنها، چیزی جز ملغی کردن حکم آنها در قانون بشری نیست و طبیعتاً در جایی صورت می‌گیرد که آن امر حلال، تاریخ‌مند محسوب شود؛ به طوری که در جامعه بشری بدون کاربرد یا برخلاف عرف و مسلمات و حقوق بشر دانسته شود.

۲-۶. نصر حامد ابوزید

به باور روشنفکر مصری، نصر حامد ابوزید (۱۹۴۳-۲۰۱۰)، نص قرآن از لحظه نزول، با قرائت و فهم آن توسط پیامبر ﷺ به عنوان موجودی انسانی، از متنی الهی به متنی بشری و انسانی تبدیل شده است. این متن در مرحله شکل‌گیری و کمال، محصولی فرهنگی بوده و در مدت زمان بیش از بیست سال، با بهره‌گیری از فرهنگ عربی، به بیان فرهنگ و واقعیت آن پرداخته است و پس از گذر از این مرحله بوده که تبدیل به متنی مهیمن و مسلط و معیاری برای سنجش متون دیگر گردیده است. (ابوزید، ۱۹۹۸: ۲۴) به این ترتیب، ابوزید قرآن را متنی زبانی، زمان‌مند و تاریخ‌مند دانسته که ارتباط وثیقی با فرهنگ منتسب به آن داشته (همو، ۱۳۸۲: ۵۰۵)، معتقد است تنها راه ممکن برای فهم صحیح این کتاب آسمانی که با طبیعت نص آن نیز سازگاری داشته باشد، روش تحلیل زبانی (همو، ۱۹۹۸: ۲۵-۲۷) و تأویل به‌عنوان روی دیگر متن می‌باشد. وی با توجه به معانی لغوی واژه تأویل، به بیان نظریه «دلالت و مغزای» خود در جهت فهم و شناخت قرآن کریم می‌پردازد.

با اندکی تأمل در این نظریه، به‌روشنی می‌توان نگاه تاریخی ابوزید نسبت به قرآن کریم را مشاهده نمود؛ چنان‌که وی ظاهر الفاظ قرآن را زمان‌مند و مکان‌مند دانسته، بر این نظر است که دلالت یا معنای آنها برای زمان حال معتبر نبوده و برای به‌کار بستن قرآن در جهان امروز، باید آرمان‌های اخلاقی را که بارها از سوی قرآن اعلام شده، به‌عنوان ارزش‌های کلی و اساسی در نظر گرفت و در جهت به‌کار بستن آنها در جهان مدرن تلاش نمود. (همو، ۱۳۹۳: ۱۷۸) به دیگر سخن، از نظر وی، قرآن کریم دربردارنده دستورات ملموسی درباره شرایط سیاسی و حقوقی است که اگر تنها معنای ظاهری یا همان دلالت آنها در نظر گرفته شود، ممکن است چنین به‌نظر برسد که زمان آنها سپری شده است، درحالی که این دستورات دربردارنده اندیشه‌های بسیار زنده و پویایی هستند که همان معنای واقعی و عمیق یا نیت موجود در پس گفته‌ها یا به عبارت دیگر، مغزای آنها هستند و در عوض صرف الفاظ، باید به این مسأله مهم توجه کرد. (همان، ۱۶۴)

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش گردید به‌عنوان وجه جامع نواندیشان مسلمان، نگاه تاریخی آنان نسبت به قرآن کریم اثبات و نشان داده شود. آنچه از مجموع دیدگاه‌های متنوع و



متکثر آنها به دست می‌آید، این است که همگی با وجود تفاوت دیدگاه در الهی یا بشری بودن متن قرآن، عقل را بر نقل و نص قطعی قرآن کریم ترجیح داده‌اند؛ به این معنا که ظاهر الفاظ آن و به‌ویژه آن دسته از آیات را که کارآیی و کاربرد آنها در عصر کنونی مورد مناقشه هستند و بشر با همه پیشرفتی که در علم داشته، با عقل خود نتوانسته به فهم درستی از آن دست یابد، معتبر ندانسته‌اند. بنابراین آنچه در نگاه آنان فراتاریخی و جاودانه است، علاوه بر آیات اخلاقی قرآن، معنا و مفهوم موجود در پس این الفاظ است که با تعبیرات مختلفی همچون «ذاتی»، «روح آیات»، «مقاصد شارع»، «مرکز معنای متن»، «جهت متن» و ... از آن یاد شده است. حال آنکه بنا بر عقیده نگارندگان، آنچه مورد غفلت نواندیشان دینی واقع شده، این است که هرچند برخی الفاظ قرآن کریم به ظاهر بازتاب‌دهنده فرهنگ عصر نزول می‌باشند، اما از آنجایی که بنا به گواهی خود قرآن کریم، جعل عربی قرآن کریم بنا به اراده و علم الهی انجام گرفته (إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا)، معانی ظاهری الفاظ و آیات آن نیز برای همه ادوار و زمان‌ها، حجت و کارآمد خواهد بود.

همچنین برخلاف آنکه در این نظرات، آیات اخلاقی، فراتاریخی دانسته شده‌اند، اما هیچ تضمینی وجود ندارد که با رشد و تکامل این نظرات دگراندیشی، این مسأله باقی باشد؛ چرا که هیچ مانعی وجود ندارد که اینان، بسان آیات الاحکام، دیگر آیات را نیز مربوط به شرایط و زمان عصر نزول مربوط و محصور بدانند و در نهایت، این دسته از آیات را نیز تاریخ‌مند تلقی نمایند؛ مسأله‌ای که موجب کنار رفتن کل دین و آموزه‌های آن خواهد شد.

بنابراین به نظر می‌رسد برای جبران و پیشگیری از این خسارت و آسیب، و بازیافتن معانی این الفاظ، لازم است چنان‌که خود قرآن کریم دستور می‌دهد، به تدبر و تفکر در آیات پرداخت و با نگاهی تازه، آیات قرآن را مورد تأمل و تعمق قرار داد.

پی‌نوشت

۱- قابل ذکر است که تاریخی‌نگری نسبت به قرآن کریم با دیگر نگاه‌های نوین، همچون نگاه پدیدارشناسانه که هر یک به‌نوعی منجر به تاریخ‌مند دانستن قرآن کریم می‌گردد -چنانچه در دیدگاه برخی روشنفکران همچون مجتهد شبستری مشهود است-، متفاوت است که نگارندگان در نوشتار دیگری به این موضوع خواهند پرداخت.

فهرست منابع

۱. ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۲)، معنای متن: پژوهشی در علوم قرآن، ترجمه مرتضی کریمی نیا، تهران: طرح نو.
۲. ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۳)، نقد گفتمان دینی، تهران: یادآوران.
۳. ابوزید، نصر حامد (۱۹۹۸)، مفهوم النص (دراسة في علوم القرآن)، بیروت: المركز الثقافی العربی للطباعة والنشر والتوزيع.
۴. ابوزید، نصر حامد؛ سزگین، هلال (۱۳۹۳)، محمد و آیات خدا: قرآن و آینده اسلام، تهران: نشر علم.
۵. حنفی، حسن (۱۴۲۲ق، ۲۰۰۲)، التراث و التجديد: موقفنا من التراث القديم، بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع.
۶. حنفی، حسن (۱۴۳۰ق، ۲۰۰۹)، من النقل الى العقل - علوم القرآن (من المحمول الى الحامل)، بیروت: دارالامير للثقافة والعلوم.
۷. حنفی، حسن (۱۹۸۱)، الدين و الثورة في مصر: اليمين و اليسار في الفكر الديني، قاهره: مكتبة مدبولي.
۸. حنفی، حسن (۱۹۹۸)، هموم الفكر و الوطن "التراث و العصر و الحداثة"، قاهره: دارقباة للطباعة و النشر و التوزيع.
۹. حیدری، سیدکمال (تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۵/۱۷)، «گام چهارم از حرکت اصلاح اندیشه دینی، اسلام قرآن محور»، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی سیدکمال حیدری، <http://alhaydari.com/fa/2019/03/8773/>.
۱۰. حیدری، سیدکمال (تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۵/۱۰)، «تغییر احکام فقهی بسته به شرایط زمانی و مکانی (۱)»، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی سیدکمال حیدری، <http://alhaydari.com/fa/2019/10/9195>.
۱۱. حیدری، سیدکمال (تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۵/۱۳)، «اهداف حرکت اصلاحی آیت الله حیدری»، <https://eitaa.com/alhaydari>.
۱۲. حیدری، سیدکمال (تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۵/۱۵)، «هدف و مبانی حرکت اصلاحی آیت الله سیدکمال حیدری در حوزه معرفت دینی»، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی سیدکمال حیدری، <http://alhaydari.com/fa/2018/06/6312/>.
۱۳. حیدری، سیدکمال (تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۷/۲۰)، «حکم سرپرستی و قوامیت زنان»، کانال آیت الله سیدکمال حیدری در پیام رسان ایتا: <https://eitaa.com/alhaydari>.
۱۴. الرحمان، فضل (۱۳۹۸)، اسلام و مدرنیته تحول یک سنت فکری، ترجمه زهرا ایران بان، تهران: نشر کرگدن.



۱۵. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۲)، بسط تجربه نبوی، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۶. سروش، عبدالکریم (۱۳۹۷)، کلام محمد رؤیای محمد، تهران: انتشارات صراط.
۱۷. شحرور، محمد (۱۳۹۹)، دین و قدرت خوانشی نواز حاکمیت، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، سمیه سادات طباطبایی، تهران: مروارید.
۱۸. شحرور، محمد (۱۹۹۶)، کتاب و القرآن قراءة معاصرة، بیروت: شركة المطبوعات.
۱۹. شحرور، محمد (۲۰۰۰)، نحو اصول جديدة للفقہ الاسلامی فقه المرأة، دمشق: الاهالی للطباعة و النشر و التوزيع.
۲۰. شحرور، محمد (۲۰۱۱)، کتاب و القرآن روية جديدة، بیروت: دارالساقی.
۲۱. الطالبي، محمد (۱۹۹۲)، عيال الله: افكار جديدة في علاقة المسلم بنفسه و بالآخرين، تونس: دار سراس للنشر.
۲۲. الطالبي، محمد (۱۹۹۹)، الاسلام: حرية و حوار، ترجمه حسنی زینه، بیروت: دارالنهار للنشر.
۲۳. الطالبي، محمد (۲۰۱۷)، لیطمئن قلبی: قضية الايمان، تونس: سوتیمیديا للنشر و التوزيع.
۲۴. عربصالحی، محمد (۱۳۹۱)، تاریخی نگری و دین، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. کدیور، محسن (تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۱۰/۲۲)، «طیف‌های جدید اسلامی در ایران معاصر»، <https://kadivar.com/19477>.
۲۶. مایلی، محمدرضا؛ مهاجرانی، شباهنک (۱۳۹۵)، «بررسی مفهوم روشنفکری دینی و نواندیشی دینی در ایران معاصر؛ با تأکید بر دیدگاه‌های علی شریعتی و مرتضی مطهری»، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۳۴، ص ۳۹-۶۰.
۲۷. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۵)، هر منوتیک کتاب و سنت: فرآیند تفسیر وحی، تهران: طرح نو.
۲۸. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۲)، ایمان و آزادی، تهران: طرح نو.
۲۹. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۹۰)، نقدی بر قرائت رسمی از دین: بحران‌ها، چالش‌ها، راه حل‌ها، تهران: طرح نو.
۳۰. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۹۲)، «سه گونه قرائت از سنت در عصر مدرنیته»، سنت و سکولاریسم: گفتارهایی از عبدالکریم سروش، مجتهد شبستری، مصطفی ملکیان، محسن کدیور، تهران: صراط، ص ۲۱۱-۲۴۴.
۳۱. مجتهد شبستری، محمد (تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۸/۳)، «قرائت نبوی از جهان ۸»، <https://neelooфар.org/1-4/>.
۳۲. مجتهد شبستری، محمد (تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۸/۵)، «قرائت نبوی از جهان ۱۰»،

<https://neeloofar.org/%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D8%AA-%D9%86%D8%A8%D9%88%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86-10>

٣٣. محمد طه، محمود (١٣٨٨ق، ١٩٦٩)، الاسلام برسالته الاولى لا يصلح لانسانية القرن العشرين، بي جا: بي نا (كتاب الكترونيك).

٣٤. محمد طه، محمود (١٣٨٩ق، ١٩٦٩)، الرسالة الثانية من الاسلام، بي جا: بي نا (كتاب الكترونيك).

٣٥. محمد طه، محمود (١٣٩٢ق، ١٩٧٢)، الثورة الثقافية، بي جا: بي نا (كتاب الكترونيك).

36. Christmann, Andreas (2004), "The form is permanent but the content moves: the Quranic text and its interpretations in Mohamad Shahrour's al-Kitab Wal-Quran", *Modern Muslim Intellectuals and the Quran*, Edited by Suha Taji-Farouki, New York: Oxford University Press, 2004

37. Rahman, Fazlur (1979), *Islam*, Chicago: the University of Chicago,

38. Rahman, Fazlur (1982), *Islam & Modernity: Transformation of an intellectual tradition*, Chicago: The University of Chicago Press, 1982



پښتونخوا ځايندو علوم انساني او مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني

